

## «نظام جامع تأمین اجتماعی» در جمهوری اسلامی: گسترش تهاجم و تعرض همه‌جانبه به کارگران و زحمتکشان

کمیسیون کارگری

افراد را در برابر کاهش شدید درآمد ناشی از بیماری، بیکاری، از کار افتادگی، سالمندی، حوادث و فوت محافظت می‌کند.

در نگاهی دراز مدت تأمین اجتماعی فراهم کردن رفاه، ترقی و امنیت مادی و معنوی شهروندان را به عهده دارد و در رویکردی دیگر نقش تأمین اجتماعی حفظ و ارتقاء بهره‌وری جامعه است.

اما در سیستم سرمایه‌داری نیروی کار به کالا تبدیل می‌شود. و به دلیل ویژگی این کالا باید بهره‌گیری از آن تداوم یابد. بنابراین بخشی از دستمزد تحت عنوان تأمین اجتماعی، کارآموزی، بازنشستگی، به نیروی کار پرداخت می‌شود.

پس از پیدایش دولتهای رفاه موضوع تأمین اجتماعی به یکی از وظایف و اهداف این دولتها تبدیل شد. این دولتها به درجات مختلف در زمینه ایجاد اشتغال و اقدامات رفاهی و بیمه بیکاری و قوانین کار و توزیع عادلانه درآمد برنامه‌هایی را دنبال کردند.

اما می‌توان از نگاهی کارکردی تأمین اجتماعی را در ۳ بخش که اصولاً با یکدیگر تفاوت ماهوی دارند، با اندکی تسامح چنین تعریف کرد: ۱- بخش بیمه‌ای ۲- بخش حمایتی ۳- بخش امدادی و نجات

۱- **در بخش بیمه‌ای:** هدف بنیادی فراهم کردن و تعبیه یک سیستم ایمنی و توانیابی و یا توانبخشی و یا بازتوانی برای نیروی کار شاغل در گستره آن (مزد و حقوق بگیر و یا کار یدی و فکری) است، تا چنانچه به هردلیل آنها دچار آسیب بشوند بتوان لطمات و خسارات را جبران کرد. هدف بنیادی‌تر این است که بیمه شده دچار آسیب و صدمه نشود.

منابع مالی در بخش بیمه‌های اجتماعی، از محل پرداخت حق بیمه تأمین می‌شود و بر این اساس به بودجه دولت متکی نیست. بنابراین مالکیت آن هم غیردولتی بوده و عمومی است. یا در واقع مالکیت این منابع بین‌نسلی و اجتماعی است. به عبارت دیگر تأمین اجتماعی یک مؤسسه غیردولتی، مستقل و دارای سهامداران مشخص است، مؤسسه‌ای با مالکیت اجتماعی و در ساختار و مناسبات دموکراتیک.

۲- **بخش حمایتی:** در این بخش هدف این است که افراد جامعه که به هر دلیل ناتوان شده‌اند و یا آسیب دیده‌اند از کمکها و امکانات رفاهی در سطح حداقل و رفع نیازها برخوردار شوند. منابع مالی در این بخش اصولاً از طریق اتکاء به منابع مالی دولت تأمین می‌شود.

۳- **بخش امدادی و نجات:** در این بخش به حادثه دیدگان از محل بودجه دولت کمک می‌شود و امکانات حداقل در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

بر اساس قوانین کار و تأمین اجتماعی، هر فرد شاغل ۷ درصد از حقوق خود را به اضافه ۲۰ درصد حقوق آن به عنوان سهم کارفرما و همچنین ۳ درصد آن به عنوان سهم دولت، نزد صندوق سازمان تأمین اجتماعی به امانت می‌گذارد. تا ضمن استفاده بهینه از این ذخیره مالی به گونه‌ای شفاف و قابل نظارت و کنترل، هزینه‌های خدمات درمانی، حقوق ماهانه دوران بازنشستگی و از کارافتادگی را تأمین کند. در سالهای اخیر معادل ۳ درصد حقوق کارگران به عنوان بیمه بیکاری (که کارفرما آن را می‌پردازد) برمبالغ فوق افزوده شده است.

### نگاهی به پیدایش و گذشته تأمین اجتماعی در ایران

نقش مبارزات کارگران و تشکلهای کارگری را برای تحقق یک سیستم تأمین اجتماعی نمی‌توان انکار کرد. از جمله در نخستین اعتصاب کارگران چاپخانه‌ها در تهران در سال ۱۲۸۰ که به پیروزی اعتصاب نیز انجامید، پرداخت نیمی از اجرت در زمان بیماری کارگر یکی از خواسته‌های کارگران بود.

با تصویب قانون جامع رفاه و تأمین اجتماعی در مجلس ششم در اوایل سال جاری، پس از سه سال لایحه پیشنهادی سازمان تأمین اجتماعی در نهایت با نام «ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» به ایجاد «وزارت رفاه و تأمین اجتماعی» انجامید. رأی اعتماد تا حدود زیادی شکننده مجلس هفتم به وزیر پیشنهادی دولت خاتمی از یکسو بیانگر کشاکش جناحهای مختلف رژیم در این مسئله است، و از سوی دیگر بیانگر توافق و اجماع دولت، مجلس و شورای نگهبان و خلاصه همه جناحهای رژیم در این عرصه است. و نهایتاً قرار است که ظاهراً مقوله «تأمین اجتماعی» و «رفاه و عدالت اجتماعی» با تأخیر ۲۵ ساله به وسیله کاربدستان و متولیان این رژیم فراهم گردد.

هدف از ایجاد چنین وزارتخانه‌ای از سوی سران و کارگزاران رژیم اینگونه بیان می‌شود:

«اجرا و تحقق بخشیدن اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی که دولت را موظف می‌کند رفاه و تأمین اجتماعی آحاد مردم را فراهم کن»، «تحقق جنبه اقتصادی و عدالت اجتماعی مد نظر قانون اساسی تنها از طریق تحقق تأمین اجتماعی فراگیر امکان‌پذیر است». (گفتگوی محمد ستاری‌فر، رئیس پیشین سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و مدیرعامل اسبق سازمان تأمین اجتماعی که در تهیه و تدوین قانون نظام تأمین اجتماعی نقش عمده داشته است، با روزنامه شرق مرداد ۱۳۸۳)، «قلمرو تأمین اجتماعی به شکل موزون و با یک نگاه ویژه در اصول قانون اساسی شکل گرفته است، تا در نهایت در اصل ۲۹ جمع‌بندی شود و اقدامات ضروری و لازم برای توانمند سازی مردم و افزایش کیفیت زندگی مردم را شکل بدهد.» (همان) و «برقراری امنیت اجتماعی، حمایت از محرومین، کاهش فقر و اجرای اصل ۲۹ قانون اساسی از ویژگیهای نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی است». (سخنان شریف‌زادگان وزیر رفاه و تأمین اجتماعی در مجلس شورای اسلامی).

اگرچه گروهی و از جمله برخی از نمایندگان مجلس ششم از این لایحه به عنوان برگ برنده‌ای برای پیروزی در انتخابات اسفندماه گذشته یاد کرده بودند، و یا برخی آن را «مهمترین قانون تصویب شده در طی نیم قرن اخیر» ارزیابی کرده و آن را اجرای بزرگترین پروژه اجتماعی دولت خاتمی در طی ۷ سال گذشته قلمداد می‌کنند، اما این قانون را باید در ارتباطی متقابل با یکدیگر لوایح و قوانین مانند لایحه حمایت از طرح نوسازی صنایع، مالیات مستقیم، سرمایه‌گذاری خارجی و امواج گسترده خصوصی سازی در تمام عرصه‌ها، به عنوان ابزاری ضروری برای اعمال تمهیداتی در ساختار اقتصادی بحران زده ایران در راستای نئولیبرالیسم جهانی و طرحهای انطباق ساختاری و تعدیل اقتصادی و توصیه و برنامه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و خلاصه نظام بازار دانست.

بر این اساس تعدیل نیروی کار (بی‌کار سازیهای گسترده)، حذف و محدود کردن هزینه‌های رفاهی و امکانات بیمه‌ای و درمانی و بازنشستگی و نامناسب قلمداد کردن قوانین کار و تأمین اجتماعی و تلاش برای تغییر آنها به عنوان چاره بحران معرفی شده و به عنوان مجموعه مشکلات و موانع بر سر راه امکان جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و افزایش تولید، افزایش اشتغال و افزایش بهره‌وری وانمود می‌شوند.

### نگاهی کوتاه و مختصر به تعاریف:

در تعاریف دایره‌المعارفی، تأمین اجتماعی بیانگر گستره، تنوع و پیچیدگی و وجوه مختلفی است. برخی از نظریه پردازان اجتماعی آن را نوعی قرارداد اجتماعی می‌دانند، که دفاع و حفظ آحاد جامعه را در برابر مصائب اقتصادی - اجتماعی به عهده دارد. نوعی سرمایه‌گذاری بین‌نسلی و درون نسلی است که

رده‌بندی کند و علاوه بر آن موظف شد تا نسبت به بیمه اتباع خارجی اقدام کند.

در سال ۱۳۴۰ مواد جدیدی به قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران الحاق گردید و همچنین تشکیل شورای عالی سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران به ریاست وزیر کار و با هدف تعیین خط مشی سازمان بیمه‌های اجتماعی جهت توسعه و تعمیم بیمه‌های اجتماعی برای کلیه کارگران کشور صورت گرفت و آیین‌نامه‌های طرح شده در لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران به تصویب رسید.

در سال ۱۳۴۱ نیز نام وزارت کار به وزارت کار و تأمین اجتماعی تغییر یافت و در سال بعد یعنی در سال ۱۳۴۲ سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران به سازمان بیمه‌های اجتماعی تغییر نام داد. کلیه افراد غیر از کسانی که مشمول قانون استخدام کشوری و یا مشمول قانون بیمه‌های خاصی بودند، مشمول بیمه شناخته شدند. سازمان بیمه‌های اجتماعی موظف شد که با توجه به امکانات خود آنان را به تدریج بیمه کند.

در سال ۱۳۴۳ نام این وزارتخانه به هم دچار تغییر گردید و «وزارت کار و امور اجتماعی» نامیده شد. در سال ۱۳۴۴ در تغییراتی که رخ داد وزارت کار و امور اجتماعی، سه سازمان، یعنی سازمان بیمه‌های اجتماعی کارگران، سازمان بیمه‌های اجتماعی کشاورزان و بانک رفاه کارگران را در زیر مجموعه خود تحت مسئولیت گرفت. در همین سال شمول قوانین کار و بیمه‌های اجتماعی گسترش یافت، و از کارگران کارخانه‌های صنعتی به سایر کارگران و حقوق‌بگیران توسعه یافت. در سال ۱۳۴۵، ساختار وزارت کار و امور اجتماعی با ترکیب:

الف: شورای عالی بیمه‌های اجتماعی (سازمان بیمه‌های اجتماعی)

ب: سازمانهای وابسته شامل سازمانهای بیمه‌های اجتماعی کشاورزان و بانک رفاه کارگران

ج: معاونت امور اجتماعی شامل ادارات کل خدمات مددکاری، رفاه اجتماعی، امور جوانان، نظارت بر سازمانهای خیریه و تمرکز امداد و پیشگیری سوانح، سازمان تفریحات سالم به تصویب رسید. در سال ۱۳۴۶ قانون تشکیل انجمن توانبخشی وابسته به وزارت کار و امور اجتماعی تصویب شد. دو سال بعد و در سال ۱۳۴۸، سازمان وزارت کار و امور اجتماعی شامل سازمانهای وابسته چون سازمان بیمه‌های اجتماعی، انجمن توانبخشی و ایجاد مراکز رفاه کارگران به تصویب رسید.

در تغییرات سال ۱۳۴۹ ساختار سازمانی وزارت کار و امور اجتماعی مرکب از:

- ۱- سازمان بیمه‌های اجتماعی، ۲- بانک رفاه کارگران، ۳- انجمن توانبخشی، ۴- مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ۵- صندوق کارآموزی، تصویب شد.

در سال ۱۳۵۳ قانون تشکیل وزارت رفاه اجتماعی متشکل از سازمانهای بیمه‌های اجتماعی، بانک رفاه کارگران و انجمن توانبخشی به تصویب رسید. اهداف این وزارتخانه در آن دوران ظاهراً عبارت بود از: فراهم کردن زمینه مناسب برای تحقق رشد و توسعه پایدار و عدالت اجتماعی، آموزش و توسعه منابع انسانی، ایجاد آرامش خاطر و عزت نفس در افراد خانواده و جامعه، تأمین سطح متناسب معاش و تضمین آن برای نیروی کار، ایجاد تفاهم بین کارگران و کارفرمایان در مناسبات تولیدی با تأکید بر اصل سه جانبه‌گرایی، در بقای بهره‌وری و کاهش ضایعات از طریق ایجاد تعلق خاطر به کار، شناخت و سیاست‌گذاری و برنامه ریزی بازار کار و اعتدالی اجتماعی و فرهنگی نیروی کار.

اما دولت این وزارتخانه مستعجل بود و عمرش بیشتر از دو سال به درازا نکشید. و پس از آن دوباره وزارت کار و امور اجتماعی ادامه فعالیت داد.

در تیرماه ۱۳۵۴ «قانون تأمین اجتماعی» جایگزین «قانون بیمه‌های اجتماعی» شد. قانونی که هم اکنون نیز سیستم تأمین اجتماعی را در ایران هدایت می‌کند.

در سال ۱۳۸۷ شمسی قانونی به نام قانون «وظایف» به تصویب مجلس اول رسید که به موجب آن تنها بازماندگان کارمندان رسمی دولت، «حق تقاعد» دریافت می‌کردند. هر وزارتخانه مسئول پرداخت مستمری برای ورثه کارمندان خود بود که معمولاً از مقدار ناچیزی وجه نقد و مقداری جنس در سال تجاوز نمی‌کرد.

«قانون وظایف» قانون جامعی نبود. در ۲۲ آذر ۱۳۰۱ در زمان نخست‌وزیری قوام‌السلطنه نخستین قانون استخدامی کشور به تصویب مجلس شورای ملی وقت رسید. با این قانون «بازنشستگی» به امری قانونی تبدیل شد.

این قانون تمامی وظایف استخدامی و از جمله بازنشستگی را به عهده سازمانی به نام شورای دولتی که بعدها نام «شورای عالی اداری» بخود گرفت، محول می‌کرد.

در سال ۱۳۰۹ «صندوق احتیاط طرق و شوارع» بنا به مصوبه هیئت وزیران تأسیس شد (احداث شبکه راه آهن در ایران، روند تمرکز کارگران و مبارزات آنها، بروز سوانح و حوادث مختلف در حین انجام کار و اعتصابات کارگران نفت جنوب که در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۸ شروع شد، و خواست پرداخت حقوق بازنشستگی و پرداخت آن در صورت فوت کارگر به فرزندان آنها، یکی از مطالبات کارگران بود که باعث گردید که در سال ۱۳۰۹ این صندوق با هدف عرضه خدمات به کارگران در طرق و راهها و دیگر کارگران ساختمانی و بنگاههای صنعتی تأسیس شود و مبلغی به عنوان خسارت در نظر گرفته شود که حتی در صورت فوت کارگر به وارثان آنها پرداخت گردد).

در سال ۱۳۱۰ «نظامنامه صندوق احتیاط» در خصوص پرداخت غرامت دستمزد، نقص عضو و فوت در هنگام کار و کمک به حادثه دیدگان شغلی به تصویب رسید.

و از سال ۱۳۱۳ اداره کل بازنشستگی کشوری، مرجع رسیدگی به مسائل استخدامی کارکنان شد.

در سال ۱۳۱۴ اداره مستقلی به نام اداره کل صنعت و معادن تشکیل شد و پس از یک سال این اداره نظامنامه کارخانه‌ها و مؤسسات صنعتی را درباره شرایط کار، وظایف کارگر و کارفرما، ایمنی و بهداشت کارگاهها، پرداخت خسارات به کارگران در موارد آسیب دیدگی و فوت ناشی از کار، به تصویب هیأت دولت رساند. در واقع مقررات «صندوق احتیاط کارگران طرق» به کارگران کارخانه‌های مشمول نظامنامه تعمیم یافت.

در سال ۱۳۲۲ با تصویب «لایحه بیمه کارگران دولتی و غیردولتی» کارگران ملزم به پرداخت یک‌سوم حق بیمه گردیدند.

در سال ۱۳۲۵ واقعه مهمی رخ داد و آن تصویب اولین قانون کار ایران از سوی هیئت وزیران بود. و از همان سال با تأسیس وزارت کار این وزارتخانه ملزم به اجرای قانون کار گردید.

در سال ۱۳۲۶ «بنگاه رفاه اجتماعی» برای کمکهای مالی هنگام ازدواج، وضع حمل، بیماری و فوت ایجاد شد. اما این بنگاه در سال ۱۳۲۸ منحل گردید و صندوق تعاون و بیمه کارگران بر اساس ماده ۱۶ قانون کار تأسیس شد.

علاوه بر این در همین سال اجازه قانونی تأسیس وزارت کار در تبصره ۱۱ لایحه قانون بودجه با اهداف مراقبت در تهیه و اجرای مقررات قانون کار و قانون بیمه کارگران، حمایت و تأمین بهداشت و رفاه و بالا بردن سطح زندگی کارگران و وضع و اجرای مقررات بیمه‌های اجتماعی صادر شد.

در سال ۱۳۲۹ اساسنامه «صندوق تعاون و بیمه کارگران» به تصویب رسید.

و پس از آن در سال ۱۳۳۱ قانون «بیمه‌های اجتماعی کارگران» تصویب شد. با تأسیس سازمان بیمه‌های اجتماعی که از سازمانهای وابسته به وزارت کار بود، برای عمومی کردن بیمه‌ها و تحت پوشش قرار دادن کلیه کارگران کشور اقداماتی صورت گرفت. یک سال بعد در سال ۱۳۳۲ لایحه قانونی بیمه‌های اجتماعی کارگران ارائه گردید ولی تصویب این قانون دو سال به درازا کشید.

در سال ۱۳۳۴ این قانون مورد تجدید نظر قرار گرفت و کارمندان فنی و دفتری نیز مشمول قانون بیمه‌های اجتماعی شدند.

در سال ۱۳۳۹ سازمان بیمه‌های اجتماعی موظف شد، برای دریافت حق بیمه مقطوع بر اساس مزد واقعی دستمزد، اضافه کار، کمکهای جنسی و غیره را

و مثلاً در سال ۱۳۸۱ بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان با توجیه تقسیم رفاه و شادی میان اقشار ضعیف و آسیب‌پذیر جامعه از طریق کمک‌های مردمی جمع‌آوری شده» (روزنامه شرق، ۱۷ اسفند ۱۳۸۲).

همچنین کمیته امداد اعلام کرده است که فقط درآمد صندوق‌های صدقات در دوره ۱۸ ساله فعالیت این کمیته، ۸۷۰/۷ میلیارد ریال است. (جشن نیکوکاری هرساله در نیمه اول اسفندماه با عنوان کمک به دانش‌آموزان بی‌سرپرست و آسیب دیده برگزار می‌شود. جشن عاطفه‌ها از سال ۷۵ در نیمه دوم شهریور، با هدف کمک به دانش‌آموزان بی‌سرپرست و نیازمند برگزار می‌شود. )

با توجه به تخصیص رقمی برابر ۲۶/۷ هزار میلیارد ریال در قانون بودجه سال ۱۳۸۰ به دو سازمان تأمین اجتماعی و بهزیستی، سهم بزرگی از بودجه عمومی به این دو سازمان تعلق گرفت.

همچنین در سال ۱۳۸۱ بدون در نظر گرفتن یارانه‌ها ۱۰ هزار میلیارد تومان برای تأمین اجتماعی منظور شده است و در سال ۱۳۸۲ این اعتبار به ۱۳۰۰۰

### تأمین اجتماعی در جمهوری اسلامی

هم اکنون بیش از ۲۸ نهاد و سازمان در ایران خود را متولی تأمین اجتماعی در اشکال بیمه‌ای، حمایتی، امدادی، بازنشستگی، درمان و ... می‌دانند. مهمترین آنها را می‌توان چنین نام برد:

۱- سازمان تأمین اجتماعی، ۲- سازمان بازنشستگی کشوری، ۳- سازمان بیمه خدمات درمانی، ۴- صندوق‌های بیمه و بازنشستگی وزارتخانه‌ها و سازمانها، ۵- سازمان بازنشستگی نیروهای مسلح، ۶- سازمان خدمات درمانی نیروهای مسلح.

علاوه بر این از نهادهایی چون: سازمان بهزیستی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفین، بنیاد شهید و بنیاد فاطمیه و گروه زیادی از بنیادها و سازمانهای خیریه و اوقاف و بقاع متبرکه و ... می‌توان نام برد که عمدتاً در عرصه حمایتی فعال‌اند. در کنار این باید یادآوری کرد که «در سال ۱۳۸۲ بیش از ۱۲۰ میلیارد تومان صدقه مردم از صندوق‌های کمیته امداد، جشن نیکوکاری و جشن عاطفه‌ها جمع‌آوری شده است».

دستگاه	گروه‌های تحت پوشش	نوع خدمات ارائه شده	جمعیت تحت پوشش
--------	-------------------	---------------------	----------------

### الف خدمات بیمه‌ای

سازمان تأمین اجتماعی	کارگران	بازنشستگی، از کار افتادگی، بازماندگی و درمان	۲۶ میلیون*
سازمان بازنشستگی کشوری	کارمندان	بازنشستگی، از کار افتادگی، بازماندگی و درمان	
سازمان بیمه خدمات درمانی	کارمندان، روستاییان، خویش‌فرمایان	درمان کارمندان دولت، خویش‌فرمایان، روستاییان، مددجویان تحت پوشش بهزیستی	
صندوق بیمه و بازنشستگی ارتش	نیروی نظامی	بازنشستگی، از کار افتادگی و بازماندگی و درمان	
صندوق بیمه و بازنشستگی سپاه	نیروی سپاهی	بازنشستگی، از کار افتادگی و بازماندگی و درمان	
صندوق بیمه و بازنشستگی نیروی انتظامی	نیروی انتظامی	بازنشستگی، از کار افتادگی و بازماندگی و درمان	
سازمان بیمه و خدمات درمانی نیروهای مسلح	نیروهای مسلح	درمان شاغلان و بازنشستگان نیروهای مسلح (ارتش، سپاه، نیروهای انتظامی)	
صندوق‌های بیمه و بازنشستگی وزارتخانه‌ها و سازمانها (۱۴ صندوق)**	پرسنل دولت	بازنشستگی، از کار افتادگی، بازماندگی و درمان	

### ب) خدمات حمایتی یا غیر بیمه‌ای

کمیته امداد	نیازمندان	مستمریها، کمک‌های کوتاه‌مدت، خدمات بیمه درمان و ...	
سازمان بهزیستی کشور	معلولان و نیازمندان	پیشگیری، آسیب‌های اجتماعی، توانبخشی، اطفال بی‌سرپرست و ...	
بنیاد مستضعفان و جانبازان	جانبازان	حمایت و درمان	
جمعیت هلال احمر	عمامه مردم	امداد، نجات و حمایت	
بنیاد شهید	خانواده‌های شهدا	حمایتی، فرهنگی و اجرای قانون حالت اشتغال	

میلیارد تومان بالغ شده است. آمار و ارقام فوق بیانگر این موضوع است که سالانه رقمی برابر ۲۵ تا ۳۰ درصد بودجه عمومی ظاهراً در قلمرو تأمین اجتماعی هزینه می‌شود.

باید خاطرنشان ساخت که بطور مثال گردش مالی سازمان تأمین اجتماعی در سال ۱۳۸۰ بیش از ۴۰۰۰ میلیارد تومان بوده است. علاوه بر این سازمان تأمین اجتماعی سهامدار اصلی بانک رفاه با بیش از ۹۰ درصد سهام است. همچنین تا پایان سال ۱۳۸۰ این سازمان صاحب ۱۲۰ شرکت تولیدی بوده است که بطور

(\*) آمار جمعیت تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی بر اساس آمار روزنامه شرق ارائه شده.

\*\* - صندوق‌های بازنشستگی شامل: شرکت بیمه ایران، شرکت ملی نفت ایران، بیمه مرکزی، شهرداری تهران، شرکت مخابرات ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی، شرکت ملی فولاد ایران، آینده ساز، هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، بانکها، صدا و سیما، جهاد سازندگی، صنایع مس ایران، بانک مرکزی،

از آنجا که دولت در طی مدت ۶ ماه مهلت مقرر نتوانسته بود لایحه‌ای را به مجلس ارائه کند، مجلس رسماً اقدام به تهیه طرحی نمود که تفاوت خاصی با لایحه پیشنهادی سازمان تأمین اجتماعی نداشت.

تفاوت جدی طرح مجلس با لایحه پیشنهادی سازمان تأمین اجتماعی را تنها می‌توان در حذف بند (ه) تبصره ۱ در طرح مجلس دانست، که در آن به مشارکت فعال و خلاق بخش غیر دولتی (بخوانید خصوصی) اشاره شده بود.

بر این اساس مخالفین ادعا می‌کردند که دولت تلاش دارد که خود تصدی کامل تأمین اجتماعی را در دست داشته باشد، و در نهایت می‌توان گفت که سه طرح اشاره شده در بالا تقریباً یکسان بوده‌اند و تفاوت چندانی با هم نداشته‌اند.

کمیته امداد نیز نظرات خود و نهادهای همسو با خود را در قالب طرح پیشنهادی ارائه کرد اما این طرح هم مورد توافق قرار نگرفت و از گردونه بحث و بررسی خارج و به بایگانی سپرده شد.

نهایتاً دو طرح یکی از جانب سازمان تأمین اجتماعی و دیگری از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی تسلیم دولت گردید.

### طرح سازمان تأمین اجتماعی:

در تیرماه سال ۱۳۷۹ طرح سازمان تأمین اجتماعی با نام «نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» تحویل ریاست جمهوری گردید.

در این طرح تشکیل یک وزارت یا یک سازمان ملی تحت عنوان وزارت یا (سازمان ملی) رفاه و تأمین اجتماعی در نظر گرفته شده بود. این نهاد پس از تأسیس می‌باید ساماندهی در سه مقوله: بیمه‌ای، حمایتی، امدادی را در کشور به عهده گیرد. و سایر نهادهای متولی در این سه حوزه با حفظ شخصیت حقوقی خود بدون آنکه در هم ادغام شوند تحت اختیار و در حوزه نهاد جدید قرار گیرند، و به فعالیت خود ادامه دهند. زمان تصویب «قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» و تدوین اساسنامه وزارت یا (سازمان) نباید بیشتر از دو سال به درازا بکشد و در طی این مدت همه نهادهای موظفند از سیاستها یا خط مشی و مقررات و آیین‌نامه‌های کلان مصوب و ابلاغی «شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی» و وزارت (یا سازمان) جدید که مغایرتی با قوانین موجود آنها نداشته باشد پیروی کنند.

«شورای عالی رفاه و تأمین» که با ریاست رئیس جمهور تشکیل می‌شود، مسئولیت تدوین سیاستهای کلان این نهاد و زمینه‌سازی برای برقراری نظام جامع را بر عهده دارد. در ساختار نهاد جدید سه شورای تخصصی، هماهنگی و نظارت در نظر گرفته می‌شود:

۱- شورای تخصصی هماهنگی نظارتی بر امور بیمه‌ای (متشکل از شورای بیمه‌های بازنشستگی و شورای بیمه درمان) که از مسئولان سازمان تأمین اجتماعی و صندوقهای بازنشستگی کشوری و لشگری به وجود می‌آید.

۲- شورای تخصصی هماهنگی و نظارت بر نظامهای حمایتی متشکل از مسئولان بهزیستی، کمیته امداد، بنیادها، آستان قدس و بخشهای خصوصی فعال در امور حمایتی.

۳- شورای تخصصی هماهنگی و نظارت بر نظامهای امدادی.

دیدگاه ناظر بر طرح سازمانهای کنونی در بخش بیمه‌ای یا حمایتی نباید بلافاصله و سریع در هم ادغام شوند بلکه در طی روندی در سطوح مختلف به ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مرتبط شوند و در آینده باید سازمانهای منطقه‌ای تأسیس شوند و هر سازمان منطقه‌ای دارای سه نهاد: تأمین اجتماعی (بلند مدت)، بیمه درمان و بیمه بیکاری گردد.

### طرح سازمان مدیریت و برنامه ریزی:

سازمان مدیریت و برنامه ریزی جمهوری اسلامی نتیجه تحقیقات کارشناسان معاونت امور اجتماعی این سازمان را در تیرماه ۱۳۸۰ به عنوان طرح خود تحویل دولت داد.

در این طرح نهادها و سازمانهای مسئول تأمین اجتماعی از ۱۳ نهاد به ۸ نهاد کاهش داده و نام «ساختار سازمانی نظام تأمین اجتماعی» بر آن نهاده شد.

در پیش‌نویس این لایحه دو راهکار ارائه می‌گردد:

نمونه می‌توان به شرکت داروپخش اشاره کرد که بزرگترین شرکت دارویی در کشور است. (روزنامه شرق، ۱۷ اسفند ۱۳۸۲)

اشاره به آمار و ارقام فوق بدین خاطر است که با وجود رقمهای هنگفت و صرف هزینه‌های بسیار سنگین، ارائه خدمات و تأمین اجتماعی در سطح بسیار نازل و پایینی قرار دارد. مثلاً اینکه هنوز بیش از ۳۵ درصد جمعیت کشور از پوشش تأمین اجتماعی برخوردار نیستند و یا مشخصتر اینکه تا پایان سال ۱۳۸۰ نزدیک به ۲۵ میلیون روستایی از خدمات بیمه محروم بوده‌اند. و یا اینکه بیش از ۹۰ درصد بازنشستگان تحت پوشش به دلیل شکاف عمیق درآمدی خود، ناچار هستند که دوباره به کار مشغول شوند. اساساً روند بازتولید گسترده فقر و بی‌خانمانی آنچنان شتابی گرفته است که به نظر می‌رسد جامعه شتابان در سراشیبی فقر دائمی طی طریق می‌کند.

بیکاری گسترده که بنا بر آمار رسمی از مرز ۵ میلیون نفر گذشته است (رقم بیکاری بین ۶-۵ میلیون است) باقر امامی، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس (مشکل کودکان کار و کودکان خیابان که به روایت آمار رسمی فقط در شهر تهران تعداد کودکان خیابانی از مرز ۲۵ هزار نفر فراتر رفته است، همچنین موضوع فزاینده زنان خیابانی و فرار دختران و فروش فرزند و گسترش فحشا و افزایش فراگیر اعتیاد، اوضاع اسفبار بهداشت و درمان و خلاصه گسترش فقر نسبی و فقر مطلق همگی بیانگر ورشکستگی همه‌جانبه سیاستهای کلان رژیم در عرصه‌های مختلف تأمین اجتماعی است.

### چگونگی تدوین قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و تأسیس

#### وزارت رفاه و تأمین اجتماعی

اگرچه در برنامه‌های اول و دوم جمهوری اسلامی به نظام جامع تأمین اجتماعی اشاره شده بود، اما با توجه به رشد و تعمیق بحران همه‌جانبه اقتصادی - اجتماعی، سیاسی رژیم و تلاش رژیم برای منطبق کردن خود با برنامه‌های نئولیبرالیسم جهانی و توصیه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و از جمله سیاستهای تعدیل ساختاری و یا تعدیل اقتصادی که محور آن تأمین امنیت سرمایه، خصوصی سازی در کلیه عرصه‌ها و خلاصه نظام بازار می‌باشد، در برنامه سوم توسعه بر اساس ماده ۴۰ این قانون، دولت موظف شد که طی مدت شش‌ماه ساختار سازمانی‌ای مناسب نظام تأمین اجتماعی را آماده سازد. اما این موضوع با دو سال تأخیر روبرو و در تابستان سال ۱۳۸۱ لایحه آن توسط دولت به مجلس ارائه گردید، که خود برآیند درگیریها و کشاکش جناحهای مختلف رژیم بود.

یادآوری این نکته خالی از اهمیت نیست که همان طور که قبلاً اشاره رفت، موضوع ایجاد نظام جامع تأمین اجتماعی به قبل از انقلاب و سال ۱۳۵۳ مربوط می‌شود. علاوه بر این در جمهوری اسلامی تا پیش از این توسط ارگانهای مختلف رژیم بیش از ده طرح تهیه شده بود که بر سر هیچ‌کدام تفاهم و توافقی به دست نیامده بود تا به مجلس ارائه گردد. از میان این طرحها می‌توان به ۵ طرح که مهمتر بودند اشاره کرد:

۱- طرح پیشنهادی سازمان تأمین اجتماعی (که توسط سه سازمان تأمین اجتماعی، سازمان بهزیستی و سازمان هلال احمر به اتفاق تهیه شده بود).

۲- طرح سازمان مدیریت و برنامه ریزی

۳- طرح سازمان بهزیستی (که به صورت مجزا از طرح مشترک قبلی تهیه شده بود، ولی به دلیل اینکه سازمان بهزیستی در طرح قبلی با هلال احمر و سازمان تأمین اجتماعی به تفاهم رسیده بودند به اجرا در نیامد).

۴- طرح کمیته امداد.

۵- طرح مجلس شورای اسلامی.

در طرح سازمان بهزیستی توجه و تکیه بیشتر بر مسائل و محور حمایتی شده بود. دیدگاه ناظر بر این طرح بیشتر از رویکرد دولت محوری، همچنانکه اشاره شد از محور بودن نگاه حمایتی متأثر بود. این طرح خود را متکی به نتیجه تحقیقات دانشگاه علوم بهزیستی وابسته به سازمان بهزیستی می‌دانست.

در طرح سازمان تأمین اجتماعی ظاهراً هدف اصلی مورد نظر طرح، تحقق «عدالت اجتماعی» بیان می‌گردد.

## نگاهی به اوضاع جاری

حتی اگر به سطر سطر «قانون نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی» اتیکتهای، تأمین و رفاه، مشارکت مردمی و فراگیر و نظایر اینها الصاق شوند، بر اساس آنچه فعلاً در کشور جاری است و بر بنیاد قوانین برنامه‌های توسعه و قانونهای مصوب مجلس و دولت، فرآیندی جز بازتولید و گسترش فقر، عدم برخورداری از تأمین اجتماعی و درمانی و بازنشستگی، رواج هرج و مرج و بی‌قانونی، در انتظار مردم ایران نیست.

وزارت کار رژیم در تاریخ ۷۳/۱۲/۱۵ با صدور بخشنامه‌ای به استخدام موقت کارگران شکل و تأکید قانونی و رسمی داد. این به مفهوم آن بود که سرمایه‌داران، صاحبان صنایع با استناد به این بخشنامه دسته دسته کارگران رسمی و با سابقه خود را از کار بیکار و اخراج کردند و سپس آنها را با عنوان کارگر موقت و قرار دادی به کار گرفتند. یعنی:

با حقوق بسیار کمتر، بدون تعهد در پرداخت مزایای قانونی،

بدون برخورداری از حقوق بیمه و تأمین اجتماعی و بازنشستگی.

انچنانکه «برخی از سرمایه‌داران با استفاده از همین بخشنامه کارگران را به تنظیم قراردادهای موقت به صورت سفید با امضای طرفین بدون ذکر آغاز و پایان مدت کار و اخذ چک و سفته مجبور نمودند تا در صورت کوچکترین اعتراضی از سوی کارگر به حقوق، دستمزد و ... حکم اخراج وی صادر شود». (روزنامه کار و کارگر، ۱۱ بهمن ۷۷). در ادامه این تهاجم، در سال ۱۳۷۴، دولت هاشمی رفسنجانی دامنه به کارگیری کارگران قراردادی، موقت و پیمانی را گسترش بی‌سابقه‌ای داد. پدینگونه که در تبصره ۲ ماده ۷ قانون کار آمده است «در کارهایی که طبیعت آن جنبه مستمر دارد می‌تواند قرارداد، دائمی تلقی شود». تعبیر قانون اینگونه انجام گرفت که در کارهایی که طبیعت آن جنبه مستمر دارد هم می‌تواند قرارداد دائمی تلقی نشود. و از آن پس بود که قراردادهای موقت برای کارهای دائم گسترش فزاینده‌ای یافت.

شرکتهای پیمانکار به عنوان عاملان اجاره دهنده نیروی کار روز بروز افزوده شدند، و در نتیجه حقوق کارگران و از جمله حق بیمه بیکاری و تأمین اجتماعی گروهی از کارگران پایمال گردید.

ادامه و گسترش تهاجم به کارگران را جناح ولایت مدار رژیم با تلاش در مسخ و محدود و بی‌اعتبار کردن قانون کار رژیم پی گرفتند. در اسفندماه ۱۳۷۸ دار و دسته خامنه‌ای و مجلس پنجم با تصویب خارج کردن کارگاههای زیر پنج نفر از شمول قانون کار و تأمین اجتماعی، نزدیک به ۲ میلیون کارگر و خانوارهایشان را از حداقلهای تأمین اجتماعی و بازنشستگی محروم کردند.

در زمستان ۱۳۸۱ تلاش شد تا با مصوبه مستثنی کردن کارگران کارگاههای زیر ده نفر از برخی مواد قانون کار (در ارتباط با ماده ۱۹۱ قانون کار) گروه زیادی از کارگران و زحمتکشان نیز از حقوق تأمین اجتماعی محروم شوند.

همچنین مجلس ششم با توجیه ایجاد اشتغال خروج کارگران قالیباف را از شمول قانون کار و تأمین اجتماعی تصویب کرد و با این مصوبه نیز گروه زیادی از کارگران روستایی که نزدیک به ۹۰ درصد آنان را زنان و دختران کم سن و سال تشکیل می‌دهند، نمی‌توانند از تأمین اجتماعی برخوردار شوند.

مسئله دیگر که باید مورد توجه قرار گیرد، تصویب قانون «اجرای طرح بازسازی و نوسازی صنایع» است. اساس این طرح که به دنبال قانون «حمایت از بازسازی و نوسازی صنایع نساجی کشور» به اجرا درآمد، هدف تعدیل (اخراج) نیروی کار و به ویژه تعدیل و جایگزین کردن کارگران و کارمندان رسمی با کارگران قراردادی را دنبال می‌کند و گروه کثیری از کارگران را از تأمین اجتماعی و بازنشستگی محروم می‌کند. بر اساس ماده ۹ این طرح سرمایه‌داران و صاحبان صنایع می‌توانند هر سال ۱۰ درصد نیروی کار با سابقه و رسمی خود را تعدیل (بخوانید اخراج) کنند. بر اساس ماده ۱۰ این طرح، کارگرانی که ۲۵ سال سابقه کار دارند می‌توانند بازنشسته شوند. بر اساس ماده ۱۳ طرح، کارگرانی که ۳۰ سال سابقه کار و ۵۰ سال سن دارند، مازاد شناخته می‌شوند. این طرح در اولین گام موجب حذف مزایای شغلی کارگران خواهد شد و از سوی دیگر سرمایه داران با سؤاستفاده از این طرح اقدام به اخراج کارگران در مقاطع پایینتر خواهند کرد. همچنین در بخشنامه شماره ۱۱ سازمان تأمین اجتماعی آمده است در مورد کارگران با سابقه ۲۵ سال، چنانچه کارفرما یکجانبه نسبت به

۱- راهکار اول بدین گونه است که: همه امور به وزارت بهداشت محول و وزارتخانه‌های تحت عنوان «بهداشت، درمان و تأمین اجتماعی» به وجود آید و در مقابل وزارت بهداشت نیز بخش آموزش پزشکی را طی حداکثر دو سال به وزارت علوم واگذار کند. ۲- راهکار دوم که در صورت عدم تصویب راهکار اول می‌تواند به کار گرفته شود، عبارتست از ایجاد وزارتخانه‌ای تحت عنوان «وزارت تأمین اجتماعی و تعاون»، که بلافاصله وزارت تعاون منحل و تمامی وظایف آن به وزارتخانه جدید محول خواهد شد.

«وزارت تأمین اجتماعی و تعاون» مشتمل بر نهادهای زیر خواهد بود:

۱- سازمان تأمین اجتماعی کارگران و حرف آزاد. که همان سازمان تأمین اجتماعی کنونی است و مسئولیت پوشش مشمولان قانون کار، خویش‌فرمایان (آنها که خود حق بیمه خود را می‌پردازند) و کارکنان مشمول قانون تأمین اجتماعی را به عهده خواهد داشت. علاوه بر این صندوق درمان حرف و مشاغل آزاد نیز از سازمان خدمات درمانی منفصل و به این سازمان الحاق می‌شود.

۲- سازمان تأمین اجتماعی کارکنان دولت: که از تغییر نام سازمان بازنشستگی کشور و پیوستن به صندوق بیمه درمان کارکنان دولت به آن تشکیل می‌شود.

۳- سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح که تحت پوشش قرار دادن کادر نیروهای مسلح (اعم از نظامی و انتظامی) را به عهده خواهد داشت.

۴- سازمان تأمین اجتماعی روستاییان که نخستین بار رسماً وظیفه پوشش شاغلان روستایی را به گونه‌ای تخصصی برعهده خواهد داشت. خدمات این سازمان نیز از طریق شبکه بهداشت و درمان روستایی به روستاییان عرضه می‌شود.

۵- بنیاد امور شهیدا و ایثارگران که از ادغام بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بخش جانبازان بنیاد مستضعفان، ستاد رسیدگی به امور آزادگان و صندوق دیگر اقشار سازمان بیمه خدمات درمانی به وجود خواهد آمد.

۶- سازمان بهزیستی

۷- کمیته امداد خمینی.

با توجه به اینکه، تفکیک و تعیین وظایف سازمان بهزیستی و کمیته امداد از جانب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انجام خواهد گرفت. در این طرح سیاست‌گذاریهای کلان برای وزارتخانه جدید از سوی «شورای عالی تأمین اجتماعی کشور» انجام خواهد گرفت که ریاست آن را رییس جمهوری و یا معاون وی بر عهده خواهد داشت.

دیدگاه ناظر بر این طرح بر تعریف سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور از تأمین اجتماعی استوار است، که به تأمین اجتماعی با رویکردی اجتماعی-اقتصادی و طبیعی روبرو می‌شود. مبانی این طرح بنا به ادعای طراحان آن ظاهراً به روندی که یک وجه آن توسعه اقتصادی و وجه دیگر آن عدالت اجتماعی است، اشاره دارد و بر این اساس می‌باید دو اقدام موازی در تحقق این اهداف انجام گیرد.

اولاً گسترش خدمات در سطح با توجه به امکانات موجود که کماکان در حال اجراست، و ثانیاً جامعیت خدمات و بهبود کیفیت خدمات ارائه شده که با گسترش در عمق معنا می‌یابد.

برهمن اساس بود که سازمان تأمین اجتماعی طرح سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را طرحی صددرصد دولت محور اعلام می‌کرد و مدعی بود که حقوق مردم، تکلیف دولت، عدم تمرکز و نظارت عالی در طرح مشخص نیست. علاوه بر این در این طرح مشخص نمی‌شود که بالاخره تصمیم نهایی و حرف آخر را چه کسی می‌زند و چه کسی در مقابل مجلس پاسخگو خواهد بود. همچنین این طرح درباره کمیته امداد سکوت می‌کند.

در اوایل مرداد ۱۳۸۰ در جلسه‌ای رئیس سازمان تأمین اجتماعی، رئیس جمهور را متقاعد نمود که طرح پیشنهادی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انتظارات یک طرح جامع رفاه و تأمین اجتماعی را برآورده نمی‌کند و طرح سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی رد شد (۱۳ مرداد ۱۳۸۰، روزنامه کار و کارگر).

در اوایل سال جاری مجلس لایحه قانون نظام جامع تأمین را پس از رفت و برگشتهای چند باره به شورای نگهبان و ایراد و اصلاح به تصویب رساند، در مردادماه ۱۳۸۳ مجلس به وزیر پیشنهادی خاتمی رأی اعتماد داد، و وزارتخانه رفاه و تأمین اجتماعی ایجاد گردید.

کارگران به حقوق خود لغو می‌شود، قانون کار موجود منتفی خواهد شد و قوانین کار متعدد منطبق بر نیاز سرمایه‌داران و امنیت سرمایه و در راستای خصوصی سازی و نئولیبرالیسم نوشته خواهند شد. می‌توان به چگونگی اجرای قانون کار در مناطق آزاد اشاره کرد که کلیه تعهدات سرمایه‌داران و کارفرمایان در برابر کارگران در این مناطق حذف شده است. بر اساس بند (د) ماده ۸۳ قانون برنامه توسعه چهارم تکالیف معطوف به تأمین اجتماعی و شغلی از عهده بنگاهها و سرمایه‌داران برداشته و از متن قانون کار منتزاع و به قانون جامع تأمین اجتماعی و بیمه بیکاری منتقل می‌شود.

علاوه بر همه تهاجمات و تعرض دولت و سرمایه‌داران به کارگران و زحمتکشان، باید به دو طرح دیگر نیز اشاره کرد: یکی تهیه طرح خروج کارگران موقت از شمول قانون کار توسط مجلس هفتم است. نماینده شنبستر در مجلس شورای اسلامی گفت که طرحی برای خارج کردن کارگران موقت و روزمره از شمول قانون کار در دست تهیه است. (ایلنا ۱۳۸۳/۰۸/۰۱) و دیگری طرح اشتغال موقت بر اساس رابطه «استاد و شاگردی» است. محمد رضا امیرحسینخانی عضو کمیسیون اجتماعی مجلس گفت که این طرح نیز در دست تهیه است (ایلنا، ۱۳۸۳/۰۸/۰۵)، که اساساً هر دو این طرحها محروم کردن تعداد دیگری از کارگران از حقوق بیمه بیکاری و تأمین اجتماعی و بازنشستگی را دنبال می‌کند.

آنچه در بالا بدان اشاره گردید در شرایطی رخ می‌دهد که: ۶۵ درصد نیروی کار کشور زیر خط فقر و بیش از ۲۵ درصد آن زیر خط فقر مطلق زندگی می‌کند (حسن صادقی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی، خبرگزاری ایلنا ۱۳۸۲/۰۷/۱۶). حداقل حقوق برای سال ۱۳۸۳ برابر ۱۰۶ هزار ۶۰۰ تومان از سوی شورای عالی کار تعیین شده که با خط فقر در هر نقطه ایران فاصله فاحشی دارد. (محمد ولی، خانه کارگر، اردیبهشت ۸۳). خط فقر نسبی در تهران از ۲۲۰ - ۲۴۰ هزار تومان نیز گذشته است (روزنامه شرق، ۹ آبان ۱۳۸۳) ۹۰ درصد کارگاههای صنعتی کشور کمتر از ده نفر کارگر دارند و در این نوع کارگاهها هیچ‌گونه تشکل کارگری که بتواند از حقوق کارگران دفاع کند، وجود ندارد. (محمد ولی، خانه کارگر، اردیبهشت ۱۳۸۳) و در کارگاههای بزرگ ۴۳ درصد از استخدام کارگران بر اساس قرار داد موقت صورت گرفته و این ارقام و آمار باید تا پایان برنامه چهارم به ۹۰ درصد - ۸۵ درصد بالغ شود. (محمد ولی، خانه کارگر، اردیبهشت ۸۳).

بر اساس همین آمار، حجم وسیع تعدیل نیروی کار و بیکار سازیها نشان می‌دهد که دست کارفرماها و سرمایه‌داران برای تعدیل (بخوانید اخراج کارگران) به هیچ وجه بسته نیست، «و آراء صادره از سوی هیئتهای حل اختلاف بیانگر آن است که در ۸۰ درصد موارد احکام صادره از شورای حل اختلاف به نفع کارفرما و بر علیه و در تعدیل کارگران بوده است» (محمد ولی، خانه کارگر، اردیبهشت ۱۳۸۳).

۹۵ درصد، کارگران قراردادی در مشاغل دائم کار می‌کنند (عیدعلی کریمی از مسئولین خانه کارگر ۱۳۸۳/۰۱/۱۸). علاوه بر اینها، هم سازمان تأمین اجتماعی و هم صندوق بازنشستگی کشوری و صندوق بازنشستگی نیروهای مسلح با موضوع کمبود و کسری منابع مالی روبرو اند و در معرض ورشکستگی قرار دارند. بیش از ۳۴۰ هزار کارگاه تحت پوشش تأمین اجتماعی تهران بزرگ هستند که ۱ میلیون و ۶۰۰ هزار نفر بیمه شده را در بر می‌گیرد این کارگاهها (کارفرمایان) بیش از ۸۳۶ میلیارد ریال به اداره کل تأمین اجتماعی بدهکار هستند و حاضر نیستند یک ریال هم بپردازند، (روزنامه شرق). باید اضافه کرد که هم اکنون دولت ۱۴ هزارمیلیارد ریال به سازمان تأمین اجتماعی بدهکار است و با اینکه صندوق بیمه بیکاری ۱/۸ میلیارد تومان کسری بودجه دارد و حتی سطح امکانات و خدمات فعلی را نیز نمی‌تواند حفظ کند. خود دولت طی ۲۵ سال گذشته از پرداخت ۳ درصد سهم خود که بر طبق قانون بر عهده وی گذاشته شده خودداری کرده است. قابل توجه است که دولت حداقل تا یک دوره کوتاه مدت قادر به پرداخت بدهی خود به سازمان تأمین اجتماعی نیست (روزنامه شرق)

بقیه در صفحه ۱۳

بازنشستگی کارگر اقدام کند در مورد ۵ سال باقیمانده ۵۰ درصد سهم بازنشستگی را کارفرما و ۵۰ درصد دیگر را دولت باید بپردازد. قانون مالیاتهای مستقیم در جهت افزایش مالیات دستمزدها مورد دیگری است که باید به آن اشاره کرد. تهاجم و تعرض به کارگران و کارمندان در حذف شمول و برخورداری آنان از تأمین اجتماعی و قوانین کار در دولت و مجلس اصلاحات گسترش بی‌سابقه یافته در دیماه ۱۳۸۲ مجلس ششم با تصویب ماده ۹۴ قانون نظام صنفی، قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن کارکنان واحدهای صنفی (یعنی حدود ۱/۵ میلیون نفر) از پوشش بیمه‌های تأمین اجتماعی خارج شدند. ماده ۹۴ قانون نظام صنفی می‌گوید: سازمان تأمین اجتماعی فقط در صورت شکایت هریک از کارکنان واحدهای صنفی مبتنی بر عدم پرداخت حق بیمه در مدت همکاری توسط افراد صنفی، می‌تواند با نظر بازپرس یا مندرجات دفاتر قانونی استناد و حق بیمه را دریافت کند. و این به مفهوم آن است که با احتساب خانوار این افراد حدود شش میلیون نفر از تحت پوشش تأمین اجتماعی و بازنشستگی خارج می‌شوند. یعنی حدود ۲۳ درصد جمعیت تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی. با تصویب این ماده بازرسی از کارگاههای اصناف در صورتی ممکن می‌شود که کارگری برای احقاق حق خود شکایت کند و از آنجا که کارگر در شرایط امروز به دلیل ترس از اخراج از کار، چنین نخواهد کرد، در نتیجه احراز حق نخواهد شد. با تصویب این قانون هر نوع حمایت قانونی برای اقدام بیمه کردن کارگران شاغل در اصناف از میان برداشته می‌شود. البته هم‌اکنون با گسترش خصوصی سازی موضوع ممنوعیت بازرسی از واحدهای بزرگ صنعتی در صحن مجلس و راهروهای وزارتخانه‌ها شنیده می‌شود، و سازمان تأمین اجتماعی حق ورود به کارگاهها برای بازرسی و وصول مطالبات سازمان را که به استناد ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی دارا بود، از دست داده است.

یکی دیگر از مواردی که باید به آن اشاره کرد صدور رأی اخیر دیوان عدالت اداری مبنی بر عدم پرداخت مستمری بیمه بیکاری به کارگران قراردادی است. طبق ماده ۲۱ قانون کار در سر فصل «شرایط خاتمه کار» ۶ مورد برای خاتمه کار پیش‌بینی شده است: ۱- فوت کارگر، ۲- بازنشستگی کارگر، ۳- از کار افتادگی کارگر، ۴- انقضای مدت قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن، ۵- پایان کار قراردادهایی که مربوط به کار معین است، ۶- استعفای کارگر.

سازمان تأمین اجتماعی با تکیه بر این ماده قانون کار شکایتی را تنظیم و به دیوان عدالت اداری ارائه کرده بود. در حکم دیوان عدالت اداری نیز با توجه به همین ماده آمده است که «چون کارگر به لحاظ اتمام مدت قرارداد کار منعقد با کارفرما، بیکار شده است و در قراردادهای با مدت معین و یا کار معین، چون کارگر عالمأ و عامداً و با تمایل مبادرت به انعقاد آن می‌نماید و نتیجه چنین قراردادی نیز برایش قابل پیش‌بینی است و از طرفی بیکارشدن بدون میل و اراده مذکور در ماده ۲ قانون بیمه بیکاری محقق نیست، لذا مستحق دریافت بیمه بیکاری نمی‌باشد.» به عبارت دیگر بر اساس همین حکم نزدیک به ۷۰ درصد کارگران ایرانی از حق داشتن حداقل مستمری برای دوران بیکاری (که در شرایط کنونی نمی‌توان زمانی را برای پایان یافتن آن در نظر گرفت) محروم شده‌اند.

علاوه بر این باید به این مسئله که اخیراً در مراکز درمانی با کارگران قراردادی، قراردادهای یکماهه منعقد می‌شود، اشاره کرد. بر این اساس گروه زیادی از کارگران از حداقلهای تأمین اجتماعی و درمان و بازنشستگی محروم شده‌اند. در دیماه ۸۰ آئین‌نامه بازرخرد کارکنان رسمی دولت تصویب شد که در نتیجه گروه دیگری از کارکنان از مزایای قانونی و تأمین اجتماعی محروم شدند. و در نهایت و از همه مهمتر موضوع مصوبات برنامه چهارم توسعه اقتصادی است. در این برنامه، سرمایه‌داران ملزم به بیمه کردن کارگران نمی‌باشند و کلیه تعهدات تأمین اجتماعی از آنان سلب می‌شود و کارگران نمی‌توانند از بیمه درمان و بازنشستگی و تأمین اجتماعی برخوردار باشند. تعهدات و وظایفی که هم اکنون بر اساس قانون کار و تأمین اجتماعی بر عهده سرمایه‌داران و کارفرمایان است، از آنان سلب و خود قانون کار به عنوان یک قانون توصیه‌ای و نه اجرائی محسوب خواهد شد. و اصولاً تضمینهای قانونی برای دستیابی